

شکرستان تجارت

دکتر محمداسماعیل اکبری:*

غوغای واردات ۶ میلیون تن شکر به کشور (در بعضی اخبار ۱۰ میلیون تن) فروکش کرده است و در روزهای آینده هم به فراموشی سپرده می‌شود. این خاصیت مقبول انسان است .

اما محافل کارشناسی نمی‌توانند و نباید از عوامل اجتماعی مؤثر بر توسعه غفلت کنند و هر موضوعی با تحلیل علمی و کارشناسانه باید در این محافل زنده بماند تا پایه‌های تعالی نلرزد و ادای دین متخصصان اجتماعی به مردم عملیاتی گردد.

برحسب علم و تجربه، موضوع ورود شکر به کشور را از دیدگاه سلامت مردم تحلیل می‌کنم. اعتقاد مدیریت‌های اجتماعی امروز این است که انسان سالم، محور توسعه پایدار است .

در اینجا می‌بینید که تجارت چگونه سینه سلامت را هدف قرار می‌دهد و با همه توان ستون‌های توسعه را می‌لرزاند.

در محافل علمی و تخصصی سلامت بین‌المللی و ملی، از جمله در ۴ اجلاس سازمان جهانی بهداشت که همه وزرای بهداشت کشورهای جهان همراه با کارشناسان ارشد سلامت حضور داشتند، اعلام کردند که حداکثر کالری که از منبع قندوشکر تأمین می‌شود باید شامل 20 درصد کالری مورد نیاز هر فرد باشد نه بیشتر از آن .

براساس این میزان کالری، شکر (و قند) مورد نیاز کشور ما برای جامعه ۷۰ میلیون نفری به شرح زیر است :

اگر میزان کالری مورد نیاز هر انسانی را ۱۵۰۰ کیلو کالری به‌طور متوسط حساب کنیم، از نوزاد یک روزه تا جوان ۲۰ ساله و سالمند ۸۰ساله، حداکثر باید ۳۰۰ کالری روزانه از منبع قندوشکر تأمین شود.

با توجه به اینکه هر گرم شکر ۴ کیلوکالری ایجاد می‌کند و با در نظر گرفتن ۱۰ درصد پرت مصرف، هر ایرانی حدود ۸ گرم قندیا شکر باید در روز مصرف کند.

این میزان برای یک روز حدود ۵۶۰۰ تن و برای یک سال معادل ۲ میلیون تن می‌شود . یعنی کشور ما براساس استانداردهای علمی برای ۷۰ میلیون نفر سالانه به حدود ۲ میلیون تن شکر احتیاج دارد.

جالب است که براساس آمارهای تجاری نیز سرانه مصرف شکر (و قند) را در جهان بین ۱۵ کیلوگرم تا ۳۰ کیلوگرم محاسبه می‌کنند، میزان مصرف در کشورهای جنوب شرقی آسیا حداکثر ۱۵ کیلوگرم سرانه و در آمریکا شمالی حداکثر ۳۰ کیلوگرم است .

اگر ما رقم حداکثری ۳۰ کیلوگرم را نیز انتخاب کنیم، همان ۲ میلیون تن شکر نیاز سالانه کشور می‌شود. یعنی با هر روش محاسبه‌ای، نباید پیش از این میزان شکر در کشور مصرف شود.

براساس داده‌های منتشره، سالانه در کشور یک میلیون تن شکر از نیشکر و ۷۰۰ هزار تن از چغندر قند تولید می‌شود، یعنی کسری سال ما معادل ۳۰۰ هزار تن در سال خواهد بود.

بدیهی است واردات شکر پیش از این میزان قطعاً به تولید داخل لطمه وارد کرده و این صنعت ضربه خورده در طول تاریخ را به فلج دائم مبدل کرده و نهایتاً دفن خواهد کرد. یعنی همان اتفاقی که در طول تاریخ بر سر تولید شکر در این مملکت آمده است.

خوزستان ما که خوزیا خوانده می‌شده، محل تولید شکر (خوز) بوده است و در طول تاریخ کشاورزان این خطه به کشت شکر مشغول بوده‌اند. این کشت در جنوب شرقی ایران قدیم تا قندهار امروز نیز ادامه داشته که نام قندهار هم مسمی به همین اسم است.

آثاری از تولید شکر در شمال کشور و شمال غرب نیز وجود داشته است. اما امروز با وجود سرمایه‌گذاری‌های بزرگ هنوز اجازه تولید در حد نیاز را به این مناطق نداده‌اند و اگر دلسوزی بعضی از مسئولان بزرگوار مبنی بر خرید محصولات آنها نبود، می‌بایست همین امسال بساط تولید را جمع کنند و سر را به تیغه تیز گیوتین تجارت شکر بسپارند.

اما به مردم چه می‌گذرد؟ با توجه به خرید تولید داخل یعنی ۱/۷ میلیون تن در سال و واردات ۶ میلیون تن شکر (حداقل) ما در حال حاضر حدود ۲۰ برابر (توجه بفرمایید ۲۰ برابر) نیاز خود، شکر در انبارها برای سال جاری ذخیره کرده‌ایم. دو نتیجه به این واقعه متصور است:

1- فکر کنیم سرمایه‌گذار تجارت شکر، از سرمایه خود در می‌گذرد و اجازه می‌دهد خواب سرمایه اتفاق بیفتد و شکر را در طول ۲۰ سال هر سال ۳۰۰ هزار تن روانه بازار می‌کند و قول می‌دهد که دیگر شکر وارد نکند و کشاورزان ما هم قول می‌دهند، میزان تولید خود را بالا نبرند تا این شکر موجود در طول ۲۰ سال مستهلک شود.

البته شرکت نیشکر خوزستان هم باید همه سرمایه‌گذاری‌های خود را جمع کند و تولید را گسترش ندهد و وزارت کشاورزی هم باید کشت نیشکر را در سایر نقاط کشور مهار کند. آیا اتفاق جاری جاری می‌شود؟

با دوستان مقتصد و کشاورز و مدیر که مشورت کردم گفتند، هرگز چنین اتفاقی نمی‌افتد چون با همه اصول سرمایه‌گذاری، تجارت، تولید و کشاورزی مغایر است. پس اتفاق دوم را باید منتظر باشیم.

2- سرمایه‌گذار و همه دست‌اندرکاران مشغول شوند تا نیاز جامعه را برای مصرف شکر بالا ببرند، آن وقت همه آب‌ها شربت می‌شود و همه نان‌ها شیرین، و در یک کلام زندگی شیرین می‌شود، البته برای واردکننده شکر نه برای مردم.

اما چه به سر مردم می‌آید؟

همه دست‌ها فعال می‌شوند تا تولید شکر را در کشور مهار کنند و سرمایه‌گذاری‌های اصولی را به ساختارهای تجاری بسپارند شکرهای انبارها وارد بازار می‌شود و ذائقه‌های مردم این سرزمین را همچنان که بوده است به شیرینی بیشتر

عادت می‌دهند؛ که جز به مواد شیرین لب نزنند؛ شیرها شیرین می‌شوند؛ ماست‌ها و پنیرها شیرین می‌شود و طولی نمی‌گذرد که انواع دوغ‌های شیرین هم به بازار می‌آید و...

آن وقت سهم تأمین کالری مردم از قندوشکر در طول یک سال تا ۸۰ درصد برای عده‌ای بالا می‌رود. و این کالری چه‌ها که نمی‌کند؛ کودکان و نوجوانان چاق و تپل می‌شوند و این عامل خطر اصلی سلامت ملت همچنان که در طول سال‌ها گذشته رو به فزونی بوده است، عاملی برای ایجاد بیماری و مرگ و میر زودرس خواهد شد.

میانسالان نیز که از کودکی و نوجوانی چاقی را به ارث برده‌اند، به بیماری‌های غیرواگیر ویژه خود مبتلا می‌شوند، سرطان‌ها و فشار خون و دیابت و غیره سر بلند می‌کند و ما در شاخص‌های ناسلامتی بیماری‌های غیرواگیر در جهان مثل زدن می‌شویم.

سالمندان که هم اکنون از بیماری‌های قلب و عروق و مرض قند رنج می‌برند، باید پذیرای درصد بالاتری از این عوارض باشند.

و هیئات از این همه تغییر در ساختار بیماری و سلامت کشور. آیا به نظر شما این مسئله‌ای نیست که دغدغه خاطر وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت کشاورزی، صنایع و بازرگانی باشد؟

آیا نمایندگان ملت در خانه ملت این موضوع و موضوع‌های مشابه را آن قدر مهم می‌دانند که در مورد آن بیندیشند و راه حل ارائه دهند یا نه؟ یا همه بر این اعتقادند که نباید در کار بزرگان دخالت کنند؟

*استاد دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی